

گفت و گو با کارن کیهانی، به بهانه اجرای آثار آهنگسازان ایرانی با آنسامبل آلمانی موزیک فابریک

## الهام از عود ایرانی

سحر طاهتی  
خبرنگار

چند روز گذشته شهر کلن آلمان میزبان آهنگسازانی از کشورمان بود تا با اجرای آثارشان که به سفارش یکی از آنسامبل‌های پیشرو جهان در زمینه موسیقی معاصر، یعنی آنسامبل آلمانی موزیک فابریک نوشته شده بودند، ردپایی از موسیقی ایران را در اروپا بگذارند و قابلیت‌های موسیقی سرزمین‌مان را با تمرکز و محوریت ساز عود عرضه کنند. کارن کیهانی در کنار دو آهنگساز ایرانی دیگر؛ ایشیا صمصامی نیا و سارا ابادری و یک آهنگساز آلمانی؛ یواخیم هاینرث با عنوان «زاگرس» توسط آنسامبل موزیک فابریک و یاسمین شاه حسینی به عنوان سولیست عود اجرا شده است. کیهانی که تا به امروز آثارش توسط ارکسترهایی چون ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر سمفونیک معاصر جاکارتا، دیورتیمنتو (میلان)، ماتکا (ژنو)، مارون تریو (کانتزاس)، میسین (نیویورک)، آنسامبل بادی جدید (لندن)، چهارگان و شهرزاد و نیواک (تهران) نواخته شده، در کارنامه هنری اش دریافت بورس سه کانون ژنو و رزیدنسی (اقامت) هنری در EOfA سوئیس، منتخب آلبوم سالانه انجمن آهنگسازان آمریکا، دریافت جایزه باربد جشنواره فجر، حضور در جشنواره MATA نیویورک و حضور در دوسالانه موسیقی و نیز به چشم می‌خورد. با کارن کیهانی که مدرس دانشگاه هنر و هنرستان موسیقی دختران است درباره توجه و اهمیت آنسامبل موزیک فابریک به آثار آهنگسازان ایرانی، مسأله سفارش قطعه، تدریس شیوه‌های آهنگسازی در دانشگاه‌ها و نگاه مدیران به موسیقی و آهنگسازان معاصر گفت‌وگو کرده‌ایم.



عکس‌ها: بهاره لژیسی

حضور سه آهنگساز ایرانی و نوازنده عود و آهنگساز آلمانی یک روز قبل از اجرا مقابل ساختمان موزیک فابریک

### اساساً جست‌وجو

و به کارگیری

فواصل، رنگ‌ها و

امکانات تکنیکی

جدید را می‌توان از

مهم‌ترین دغدغه‌های

آهنگسازان امروز

دانست و طبیعتاً

هر ساز جدیدی به

مثابه یک مجموعه

منحصربه‌فرد از این

عوامل است. در

میان سازهای ایرانی،

عود چه به لحاظ

لحن و محدوده

صوتی و چه به لحاظ

ویژگی‌های دینامیکی

سرساز از جذابیت و

البته چالش است

شمایکی از سه آهنگسازی هستند که به سفارش موزیک فابریک اثری را برای آنسامبل وعود ساخته و قرار است در پروژه اجرایی موزیک فابریک اجرا کنید. درباره خلق این اثر بفرمایید؟

قطعه زاگرس، برای پنج ساز نوشته شده که شامل عود، فلوت، ترومپت دو دهانه، ویولن و ویرکاشن است. به طور کلی در این قطعه، نسبت به کارهای پیشینم، ساز ایرانی شخصیت کلاسیک‌تری دارد و در آن تلاش کرده‌ام که نوعی چرخه آزاد دستگامی را به کار بگیرم. در سه اپیزود کوتاه از قطعه نیز فضایی برای بداهه‌نوازی مرکب ایجاد شده و شاخصه‌هایی مانند متر، ریتم، تزئینات، سونوریت، بافت و فرم قطعه، ملهم از موسیقی دستگامی ایرانی هستند.

فکر می‌کنید انتخاب موزیک فابریک برای سفارش آثار برای آنسامبل وعود چه اهمیتی دارد؟

تا آنجایی که می‌دانم، چند سال پیش آنسامبل موزیک فابریک با همکاری یاسمین شاه حسینی، کارگاه‌هایی را برای آشنایی اعضایش با موسیقی کلاسیک ایرانی برگزار کرد و ایده اولیه این پروژه و انتخاب عود به عنوان ساز محوری نیز از این جلسات آمده است.

چه ارتباطی بین فضای موسیقی معاصر و ساز عود بواسطه رنگ صدایی برای ساخت اثر خود دارد و شما به عنوان آهنگساز چه قابلیت‌های صدایی ساز عود در ساخت اثرتان بهره گرفتید؟ در واقع این ساز نسبت به سایر سازها چه تفاوت فضایی را برایتان در جایگاه آهنگساز ایجاد کرده است؟

اساساً جست‌وجو و به کارگیری فواصل، رنگ‌ها و امکانات تکنیکی جدید را می‌توان از مهم‌ترین دغدغه‌های آهنگسازان امروز دانست و طبیعتاً هر ساز جدیدی به مثابه یک مجموعه منحصربه‌فرد از این عوامل است. در میان سازهای ایرانی، عود چه به لحاظ لحن و محدوده صوتی و چه به لحاظ ویژگی‌های دینامیکی سرساز از جذابیت و البته چالش است. در بخش‌هایی از قطعه که عود نقش سولیست دارد، این تفاوت لحن و آرتیکولاسیون و حتی مضرابی بودن آن بسیار به کمک می‌آید و البته محدودیت‌های دینامیک ساز، همان بخش چالش برانگیز محسوب می‌شود.

همراه شدن سازهای موسیقی ایرانی همچون عود در این پروژه با استنورد در قطعه نقطه‌ای بود و دیگر هیچ نبود؟ چه نقشی را در موسیقی شما ایفا می‌کنند؟ آیا روایت‌شان همان اجرا در فواصل موسیقی ایرانی و اجرای صرفاً موسیقی ایرانی است یا بواسطه هم‌راهی با موسیقی شما به عنوان موسیقی معاصر کاراکتر اجرایی‌ساز تغییر می‌کند؟

من شخصاً علاقه‌مندم در هنرشنی سازهای با خاستگاه‌های فرهنگی و موسیقایی مختلف، هر یک به میزانی از موضع کلاسیک یا سنتی خود عقب

پسوخ داده است. با توجه به اینکه در دانشگاه موسیقی کلن تحصیل کرده‌اید و نیز بواسطه تمرکز آنسامبل موزیک فابریک بر اجرای آثار آهنگسازان ایرانی، چقدر آلمانی‌ها از موسیقی ایران شناخت دارند و فکر می‌کنید توجه چنین آنسامبل‌هایی به آثار ایرانی‌هاونیز سفارش ساخت آثار برای آنسامبل‌ها، چه نقشی را ایفا می‌کند؟

در واقعیت، بواسطه گفتمان پُست مدرنی که به پشتوانه اقتصاد بازار آزاد، از اواخر دهه ۸۰ به بعد در جهان حاکم شد، تولید کالایی فرهنگ در همه حیطه‌ها و در همه ژانرهای موسیقی و به طور کلی جهانی شدن در متن اقتصاد بازار در دستورالعمل مراکز فرهنگی غرب قرار گرفت. این گفتمان مبین تولید کالایی بود که در آن هر نوع موسیقی‌ای از هر نوع فرهنگی می‌توانست در بازار هنری ارائه شود. نام رسمی جدیدی هم برای آن در نظر گرفته شد، چندفرهنگ‌گرایی. در حوزه موسیقی معاصر نیز

سارا ابادری یکی از سه آهنگساز ایرانی است که اثرش در پروژه آنسامبل آلمانی موزیک فابریک در شهر کلن آلمان اجرا شده است. او که در کلن تحصیل کرده و تجربه همکاری با آنسامبل‌های بسیاری را دارد، به سؤالاتمان درباره توجه موزیک فابریک به موسیقی ایرانی و سفارش آثاری بر مبنای ساز عود پاسخ داده است.

بویژه با شتاب بیشتری از اوایل قرن بیست و یکم، محبوبیت این نوع پروژه‌ها از سوی آنسامبل‌ها و مراکز فرهنگی غربی به دلیل امکان بالای دریافت بودجه در نتیجه سیاست فرهنگی فوق‌بیشترا شده و متأسفانه پس از گذشت یک دهه، در بسیاری از موارد نیز تبدیل به حلقه بسته‌ای شده است که به دلیل فقدان نگاهی انتقادی، چه از سوی حامی و چه تولیدکننده، انکار همان کلیشه‌ها را بازتولید می‌کند.

در مورد پروژه فعلی، بی‌شک حضور نوازنده چیره‌دستی مانند یاسمین شاه حسینی و تلاش و اشتیاق وی برای به وجود آمدن ریزنوار موسیقی معاصر برای عود و دعوت وی از آهنگسازان منتخبش برای همکاری، نقطه محوری شکل‌گیری آن است. در اکثر فستیوال‌هایی که در آنها شرکت داشتم، فقط خواهی روداد و کلیشه برخورد موسیقی شرق و غرب و هویت از پیش تعیین شده هنرمند اهمیت می‌یافت و کمتر درباره خود اثر موسیقایی بحث می‌شد، اما واقعیت این است که موسیقی به عنوان یک هنر به مفهوم حقیقت متصل است و حقیقت در وفادار ماندن و اتخاذ دیدی انتقادی به متریال و تئوری و فرم و پرتابک موسیقی می‌تواند مجال بروز یابد و نه در بجا دادن به این یا آن فرهنگ یا گفتمان و این، آن چیزی است که در آموزش موسیقی معاصر نیز باید

در نظر داشت. پروژه موسیقی مسافران تهران-برلین با عنوان روزهای موسیقی معاصر تهران در تهران هم اجرا شد؛ فکرمی‌کنید در شرایط کنونی چقدر امکان اجرای آنسامبل موزیک فابریک برای پروژه جدیدش در تهران وجود دارد؟ و چقدر می‌توان با فراهم کردن شرایط اجرا، فضای دانشگاهی را با چنین رویدادهای آنسامبل‌هایی که نقش مهمی در موسیقی معاصر دارند روبه‌رو کرد؟

اگر ما قادر به جلب حمایت‌های مالی و معنوی گسترده مراکز فرهنگی و هنری برای ایجاد آنسامبل

قطعه بسیار دیده می‌شود؛ این سفارش ساخت اثر چقدر ذهن آهنگساز را سمت و سومی بخشد و از طرفی چقدر باعث محدود کردن خلاقیت آهنگساز می‌شود؟ این مسأله محدود به موسیقی معاصر نیست و در تمام تاریخ موسیقی، آثار زیادی به سفارش ارکسترها، سولیست‌ها، ناشران یا حامیان موسیقی نوشته شده‌اند. طبیعتاً وقتی که آهنگساز، اثری را بدون ضمانت اجرا شدن یا به قول معروف برای دل خودش می‌نویسد گاهی ممکن است اجرای اثر رسال‌ها بعد اتفاق بیفتد و از آنجا که آهنگسازان دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند اصولاً ترجیح می‌دهند در آن زمان قطعه جدیدی بنویسند، البته این امر اشکالاتی نیز دارد و همان‌طور که گفتید گاهی محدودکننده است؛ قطعه ایده آل‌ترین شکل این است که آهنگساز در انتخاب طول قطعه و سازبندی اثرش آزاد است.

آیا می‌توان مرز و عنوانی برای موسیقی معاصر در نظر گرفت یعنی بگوییم موسیقی معاصر ایرانی؟ اگر می‌شود چه تکنیکی به لحاظ ساختاری بین موسیقی معاصر یا موسیقی معاصر ایرانی‌زده شده وجود دارد؟

به نظر من موسیقی هر آهنگسازی می‌تواند از هر فرهنگی الهام بگیرد (مانند تأثیراتی که بدوسی فرانسوی از موسیقی گاملان آندونزی پذیرفت)؛ اما استفاده از چنین عنوانی را حتی اگر ممکن باشد، ضروری نمی‌دانم. من فکر می‌کنم که قطعه بنیادی استاد حسین علیزاده، اگرچه اثر یک آهنگساز ایرانی و سرشار از شاخصه‌های ملی است، اما یک پیشکش نقیص موسیقایی برای تمام انسان‌ها فارغ از ملیت آنهاست و شاید افزودن هرگونه پسوندی، چیزی به آن نخواهد افزود. با این همه، عبارت «آهنگساز معاصر ایرانی» عبارتی معنادار است و شخصاً آن را

«به موسیقی معاصر ایرانی» ترجیح می‌دهم. آهنگسازی یکی از روشی (واحدهایی) است که شما در دانشگاه تدریس می‌کنید؛ آیا رویکرد شما در آموزش آهنگسازی، تماماً بر مبنای موسیقی معاصر است؟ و اینکه چقدر فضای آموزشی ایران نیازمند آموزش مکاتب آهنگسازی معاصر است؟

این موضوع بستگی به مقطع تحصیلی دانشجویان دارد؛ در مقطع کارشناسی آهنگسازی در دانشگاه هنر، فرض بر این است که دانشجویان می‌یابند آهنگسازی بر اساس فرم‌های سنتی تاریخ موسیقی (مانند سونات، روندو، سه بخشی و مانند این‌ها) و با رویکردی تونالی را تحصیل کنند و نتیجتاً مدرسین مقطع کارشناسی، جدا از رویکرد شخصی‌شان، موظف به آموزش آهنگسازی سنتی و مکتبی (stylestudy) هستند، اما در مقطع کارشناسی ارشد، فرض بر آموزش آهنگسازی بر اساس مکاتب مدرن و پسا مدرن است و طبیعتاً امکان تجربیات جدید، فراهم‌تر است. بنده هم بنا بر مقطع تحصیلی

دانشجویان در مقطع کارشناسی آهنگسازی در دانشگاه هنر، فرض بر این است که دانشجویان می‌یابند آهنگسازی بر اساس فرم‌های سنتی تاریخ موسیقی (مانند سونات، روندو، سه بخشی و مانند این‌ها) و با رویکردی تونالی را تحصیل کنند و نتیجتاً مدرسین مقطع کارشناسی، جدا از رویکرد شخصی‌شان، موظف به آموزش آهنگسازی سنتی و مکتبی (stylestudy) هستند، اما در مقطع کارشناسی ارشد، فرض بر آموزش آهنگسازی بر اساس مکاتب مدرن و پسا مدرن است و طبیعتاً امکان تجربیات جدید، فراهم‌تر است. بنده هم بنا بر مقطع تحصیلی

این موضوع بستگی به مقطع تحصیلی دانشجویان دارد؛ در مقطع کارشناسی آهنگسازی در دانشگاه هنر، فرض بر این است که دانشجویان می‌یابند آهنگسازی بر اساس فرم‌های سنتی تاریخ موسیقی (مانند سونات، روندو، سه بخشی و مانند این‌ها) و با رویکردی تونالی را تحصیل کنند و نتیجتاً مدرسین مقطع کارشناسی، جدا از رویکرد شخصی‌شان، موظف به آموزش آهنگسازی سنتی و مکتبی (stylestudy) هستند، اما در مقطع کارشناسی ارشد، فرض بر آموزش آهنگسازی بر اساس مکاتب مدرن و پسا مدرن است و طبیعتاً امکان تجربیات جدید، فراهم‌تر است. بنده هم بنا بر مقطع تحصیلی



تصویر: برای آنسامبل موزیک فابریک

در نظر داشت. پروژه موسیقی مسافران تهران-برلین با عنوان روزهای موسیقی معاصر تهران در تهران هم اجرا شد؛ فکرمی‌کنید در شرایط کنونی چقدر امکان اجرای آنسامبل موزیک فابریک برای پروژه جدیدش در تهران وجود دارد؟ و چقدر می‌توان با فراهم کردن شرایط اجرا، فضای دانشگاهی را با چنین رویدادهای آنسامبل‌هایی که نقش مهمی در موسیقی معاصر دارند روبه‌رو کرد؟ اگر ما قادر به جلب حمایت‌های مالی و معنوی گسترده مراکز فرهنگی و هنری برای ایجاد آنسامبل

## تلفیق موزون دنیاهای موسیقی در یک کنسرت



کریستین چپمن، هورن نواز برجسته آنسامبل موزیک فابریک، در ارتباط با پروژه مشترک آنسامبل با یاسمین شاه حسینی و آهنگسازان ایرانی، چنین گفت: یاسمین شاه حسینی، سال ۲۰۱۸ میلادی، ایده اولیه این پروژه را با موزیک فابریک مطرح کرد. در ابتدا قرار بود این کنسرت در سال ۲۰۲۰ اجرا شود، ولی متأسفانه به خاطر محدودیت‌های پاندمی کرونا، دو بار به تعویق افتاد. از زبان خود و تمامی همکارانم می‌گویم که بسیار خوشحالیم که بالاخره توانستیم این همکاری جذاب و هیجان‌انگیز را به نتیجه برسانیم و به روی صحنه ببریم. وی ادامه داد: شنیدن این که هر کدام از آهنگسازان چگونه رویکردهای متفاوتی را برای ادغام صدا و زبان عود در جهان صوتی موسیقی معاصر و سازهای غربی اتخاذ کرده‌اند، برایم بسیار جذاب بود. این نوازنده هورن افزود: طبیعتاً در تمرینات، نوازندگان موزیک فابریک، آثار را بر مبنای پیشینه و تجربیات موسیقایی خود تفسیر می‌کردند، اما گفت و شنود با آهنگسازان و تبادل ایده‌های موسیقایی با آنان و یاسمین شاه حسینی، نهایتاً منجر به هستی بخشیدن به موسیقی و خلق اثری مشترک میان ما شد.

کریستین چپمن در پایان ضمن ابراز خرسندی از اجرای چنین پروژه‌ای گفت: من خوشحالم که این آمیزش زیبای دنیاهای موسیقی را در سالن کنسرت و از طریق پخش زنده جهانی به اشتراک گذاشتیم.

### از کلاچان تا کلن

کارن کیهانی آهنگساز و نوازنده سنتور یکی از سه آهنگساز ایرانی است که اثرش با عنوان «زاگرس» در اولین پروژه موسیقایی آنسامبل آلمانی موزیک فابریک در سال ۲۰۲۲ میلادی در تاریخ ۲۰ دی ماه در سالن «کومدا» مدیا پارک شهر کلن اجرا شد. این اثر به سفارش آنسامبل موزیک فابریک در سال ۱۳۹۹ و در روستای کلاچان مازندران برای عود، فلوت، ترومپت دو دهانه، ویولن و سازهای کوبه‌ای نوشته شده و دومین قطعه از مجموعه «ناگفته‌ها» از کارن کیهانی است. کارن کیهانی این قطعه را تحت تأثیر بخشی از شعر «عشق عمومی» از احمد شاملو با نگاهی به زاگرس زیبا که در آتش می‌سوزد، نوشته است.

قصه نیستم که بگوئی نغمه نیستم که بخوانی صدا نیستم که بشنوی یا چیزی چنان که ببینی یا چیزی چنان که بدانی من درد مشترکم مرا فریاد کن....

### سفر مقام‌های باستانی ایران به کلن

ایشیا صمصامی نیا آهنگساز ایرانی است که قطعه «ریز لحظه‌ها شماره چهار» او با آنسامبل موزیک فابریک اجرا شد. این اثر که چهارمین قطعه از مجموعه‌ای به همین نام یعنی «ریز لحظه‌ها» است. برای ساز عود، فرنج هورن، فلوت، ویولن، پرکاشن و

الکترونیک بر اساس هشت مقام اصلی موسیقی باستانی ایران نوشته است. هر چند که او تلاش کرده از فواصل موسیقی ایرانی در این قطعه به گونه‌ای استفاده کند که هویت ایرانی بودن گنگ و محو شنیده شود. صمصامی نیا در ساخت «ریز لحظه‌ها شماره چهار» از مقام‌ها و فواصل موسیقی باستانی ایران در راستای متریال و ابزاری برای آهنگسازی با رویکردی نو به دور از هرگونه خودنمایی فرهنگی و اگزوتیسم هنری استفاده کرده است و در صورت تألیف اثر توسط موزیسین‌ها، بهره‌مندی از فواصل موسیقی ایرانی به چشم می‌خورد.

### ردپای صادق هدایت در موسیقی معاصر

سارا ابادری دیگر آهنگساز ایرانی است که اثری با عنوان «س.گ.ل.» را متأثر از داستان کوتاه علمی تخیلی صادق هدایت با همین نام، به سفارش آنسامبل موزیک فابریک برای ساز عود، فلوت، هورن، سازهای کوبه‌ای و ویولن ساخته است.

در داستان صادق هدایت عناصر و مفاهیم متضاد و شخصیت‌های داستان در دو هزار سال بعد در جهانی کنار هم قرار می‌گیرند که در آن پیشرفت علوم و تکنولوژی عادات بشر را تغییر داده (پیری و ناخوشی و زشتی بر طرف شده) ولی خستگی و دلزدگی از زندگی بی‌مقصد تنها درد باقی‌مانده است.

وجود هم‌زمان لایه‌های متفاوت در فضایی علمی تخیلی، اشاراتی به بقایایی از سوبیه‌های احساسی و معنوی در دیالوگ‌های شخصیت‌ها، به کارگیری واژه‌های لاین بعضاً ابداعی از سوی هدایت، مسبب چگونگی طراحی فضای کلی قطعه و ایجاد رابطه عود با سازهای دیگر است. در این قطعه، که بر اجرای آن هم گسسته بداهه‌نوازی کوناهای از عود بر پایه موسیقی سنتی استوار است، سازهای دیگر در تقلاهی برای همسویی با موتیف‌های عود و در برخی اوقات نادیده گرفتن آن و اجرای موسیقی‌ای کاملاً متفاوت، در نوساند.

### اصوات شرقی ذهن یک آهنگساز آلمانی

آنسامبل موزیک فابریک در اولین پروژه موسیقایی خود در سال میلادی جدید علاوه بر سفارش ساخت آثاری برای آنسامبل و عود به سه آهنگساز ایرانی، از یواخیم هاینر آهنگساز برجسته آلمانی نیز برای ساخت قطعه‌ای با محوریت ساز عود دعوت کرده است. او که از دوران دانشجویی اش در دانشگاه هنر «برمن» و بهره‌مندی از استادانی چون یونگی پاک یان و کونتر شتینکه در زمینه تحصیل آهنگسازی به طور جدی در موسیقی الکترونیک متمرکز شده است، قطعه «عود» الکترونیک» را برای آنسامبل موزیک فابریک نوشته است که به گفته خودش در قالب یک راپرتیو متعارف شکل نگرفته است که نوازنده آن را تفسیر و اجرا کند. هاینر که هم اکنون رئیس استودیو الکترونیک FMSB در دانشگاه موزیک دراما و مدیا در شهر هانوفر است و به عنوان مدیر جامعه موسیقی معاصر هانوفر (HGNM)، به برگزاری و میزبانی کنسرت‌ها، ژورک شاپ‌ها و مباحثاتی با موضوعیت تعامل سازهای آسیایی و موسیقی معاصر می‌پردازد بر این باور است که اصوات شرقی در اجرائیش بواسطه حضور یاسمین شاه حسینی نوازنده عود به گوش مخاطبان رسیده است.

